

# ● مخاطب گرافیکست باید همه مردم دنیا باشند

■ گفتگو با احمد قلی‌زاده، گرافیکست



رشته هنری ناشناخته و ناآشناست. گرافیک یکی از مؤثرترین ابزار برقراری ارتباط بین جوامع بشری است که حد و مرز نمی‌شناسد و به زبان خاصی صحبت نمی‌کند. زبان مشترک تصویری گرافیک، از هنر نقاشی و شعر و ادبیات گرفته تا علم هندسه را در خود دارد.

گرافیک را امروزه می‌توان در قالبهای مختلف ارائه نمود: پوستر، آرم (نشانه)، بسته‌بندی کالاها، علائم راهنمایی، علائم بازدارنده و هشداردهنده، طراحی و صفحه‌آرایی کتب و نشریات، تصویرسازی برای کتابها و غیره، قالبهای مختلف ارائه این هنر می‌باشند. از این دست کارها که بگذریم می‌توان به استفاده‌های بی‌شمار از این هنر در سینما نیز اشاره نمود. امروزه در ساخت فیلمهای انیمیشن، تیتراژ فیلمها و طراحی صحنه نیز شاهد حضور صد درصد هنر گرافیک هستیم.

● به ناشناخته بودن این رشته هنری در جامعه کنونی اشاره کردید. ممکن است توضیح بیشتری در این زمینه بدهید؟

■ برای روشن شدن این مطلب لازم است نکاتی را همراه با ذکر مثال بیاورم. علم و فرهنگ و پیشرفت آن در دنیای کنونی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با نشریات دارد. شکل ظاهری این نشریات هم سهم عمده‌ای در پذیرش و تأثیرگذاری در جامعه دارد. با توجه به تأثیر انکارناپذیر شکل ظاهری و فیزیکی که هم از زیبایی

رنجهای جوامع بشری را خوب می‌شناسد، به آنها می‌اندیشد و با نشانه‌هایی به تصویرشان می‌کشد. احمد قلی‌زاده را می‌گویم. ۲۹ سال دارد و گرافیک را در دانشکده هنرهای زیبا آموخته است. او که بیش از ده سال است گرافیک را به عنوان حرفه اصلی خود برگزیده، علاوه بر فعالیت در زمینه‌های مختلف، از جمله امور گرافیک کتب و نشریات، تعداد کثیری تابلو و پوستر پیرامون مسائل اجتماعی به وجود آورده است. آثار او در پانزده نمایشگاه جمعی و انفرادی در داخل و خارج از کشور به نمایش درآمده است. کسب جوایزی چون جایزه اول پوستر دومین نمایشگاه گرافیک تهران، جایزه و دیپلم افتخار از نمایشگاه گرافیک بین‌المللی ۱۹۸۹ شوروی و دستخط حضرت اسام و لوح زرین افتخار به دلیل خلق آثاری در ارتباط با دفاع مقدس، حاصل این سالهای پرتلاش است. قلی‌زاده در حال حاضر علاوه بر فعالیت در حوزه هنری، مدیریت هنری یک نشریه را نیز برعهده دارد. با او از طریق آنچه در پی می‌آید بیشتر آشنا می‌شوید:

● در ابتدا در مورد رشته گرافیک که آن را به عنوان حرفه اصلی خود انتخاب نموده‌اید تعریفی داشته باشید.

■ متأسفانه در جامعه کنونی ما، علی‌رغم استفاده‌های بی‌شمار از هنر گرافیک، هنوز این



■ گرافیکست باید فرهنگ‌شناس خوبی باشد و از مسائل و سلیقه‌های فرهنگی-هنری جامعه خود آگاه باشد.

بصری سود جسته و هم مبلغ محتوا می باشد. بی به اهمیت نقش گرافیک در این زمینه می بریم و این در حالی است که شاید قریب به هفتاد درصد صاحبان این حرفه، از ناشرین گرفته تا مؤلفین و مترجمین، از این امر بدهی غافل و بی خبرند. سود بیشتر یا هزینه کمتر در نشر یک اثر را در صرفهجویی و بها ندادن به این مسئله می دانند. با آن دسته از ناشرین و نویسندگان و مترجمین محترمی که به اهمیت این مسئله آگاهی دارند ستاسفانه بنوعی از حق صاحب کار بودن خود بجهت اعمال نظردر کار گرافیکت استفاده نابجا کرده و گاه با دخالتهای بی مورد و خالی از استدلال هنری و فنی باعث تنزل کیفیت کار گرافیکی در نشریات می شوند.

تمبرهایی که با نقشها و طراحیهای ضعیف چاپ و تکثیر می شوند مثال دیگری است که بروشنی عدم اهمیت و لاجرم عدم شناخت سفارش دهندگان و تایید و تکثیرکنندگان آن را نشان می دهد. تمبرها، علی رغم حجم کوچک خود، سفیران فرهنگی مناسبی برای ارسال به تمام نقاط دنیا هستند. با آگاهی از این مسئله که انتقال پیام، فرهنگ و تبلیغ در قالب تمیر جز شکل بظاهر، نقاشی و طراحی آن چیز دیگری نیست، برآستی با کیفیت بسیار پایین تمبرهای کنونی چه می توان گفت؟

مثال سوم در این زمینه، کیفیت پایین و نه چندان زیبای بسته بندی کالاها بخصوص کالاهای صادراتی می باشد. کشورهای پیشرفته با بسته بندی های زیبا و متنوع به جهان سوم صادر می کنند و این در حالی است که کشورهای جهان سوم و کشور ما نیز کالاهای درجه یک و صادراتی خود را در لفافی از زشتیها پیچیده و قصد بازارگشایی در جهان را دارند.

● شما ویژگیهای آثار خودتان را

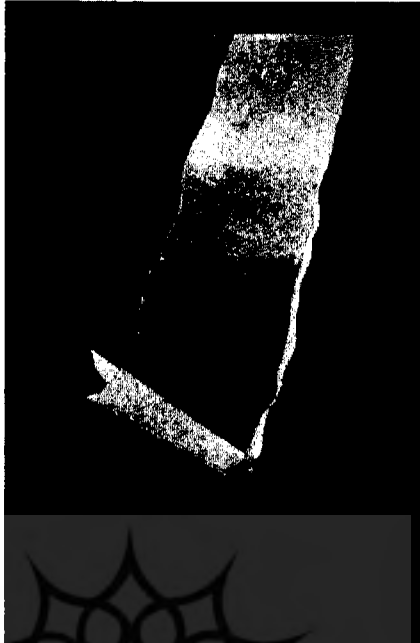
در چه می دانید؟

■ از آنجا که هرکس بنوعی دارای شخصیت و کاری مستقل، درک، بینش و قلم خاصی است و هرکاری ویژگی خاص خود را دارد، بنابراین هرآنری هم که خلق شود با اثر دیگران تفاوت داشته و بیانگر نظر و ذوق خالق اثر است. من در گرافیک بیش از هرچیز معتقد به فکر ناب و بکر هستم. فکر تکراری همیشه خسته کننده بوده و سبب رکود در کار هنری می شود. به همین دلیل هم همواره سعی می کنم پوسترهاییم از یک فکر ناب و بکر برخوردار باشند. در مرحله دوم به اجرای صحیح و تمیز کار اهمیت زیادی می دهم.

● تا جایی که ما شاهد بوده ایم،

در سالهای اخیر پوسترهایی ساخته اید که سفارش دهنده خاصی ندارند. ضمن آنکه اغلب تا مرز یک اثر نقاشی پیش می روند. تعریف شما از این پوسترها چیست؟

■ البته من با نظر اول شما موافق نیستم زیرا پوسترهایی سالهای اخیر که در حوزه هنری



ساخته شده اند. سفارش دهنده دارند. بزرگترین سفارش دهنده ها یعنی «مردم» آنها را خواسته اند؛ مردمی که در ده سال انقلاب حوادث مهمی را در ایران و در دنیا به وجود آوردند. یکی از این حادثه های مهم، جنگ تحمیلی بود که بهترین دستمایه برای کار به شمار می رفت. وقتی شهری بمباران می شد و کودکان بی گناهی کشته می شد، چشمهای هراسان او از من می خواست تا مظلومیتش را در تاریخ به ثبت برسانم. زمانی که صدها هزار نفر به جبهه اعزام می شدند، وظیفه من ثبت عمل آنها به وسیله هنر بود. اما در مورد بخش دوم سؤال شما، یعنی پیشروی تا مرز نقاشی، باید بگویم که براین عقیده بوده و هستم که هنر سنتی خودمان و بخصوص خصوصیات ذاتی مینیاتور را بنوعی در گرافیک شرکت دهم و به همین منظور مدتی کار کردم تا کم کم جایگاه این هنر سنتی را در هنر مدرن گرافیک بیابم. در ابتدای کار به تجربیات زیادی برای این تلفیق دست نیافته بودم. اگرچه این عامل سبب خیری شد تا بتوانم هنر نقاشی را در پوسترسازی مطرح کنم که به نظر خودم نسبتاً موفق هم شده ام.

● مطلع شدیم که در کنار خلق

آثار گرافیکی، دستی در تحقیق و

تالیف نیز داشته اید که ظاهراً

موضوع یکی از آنها «چاپ» بوده

است. لطفاً علت انتخاب این

موضوع را بفرمایید؟

■ حتماً می دانید که چاپ و تکثیر از مهمترین

ویژگیهای هنر گرافیک محسوب می شود به نحوی که گرافیک امروز برای چاپ شدن خلق می شود و هنری مستقل به شمار نمی رود. بنابراین عدم آگاهی به چاپ و تکثیر می تواند ضربه ای کاری به محصول تلاش گرافیکت بزند. گرافیکت باید با صنعت چاپ و علوم مربوط به این رشته آشنا باشد تا بتواند کاری با کیفیت مطلوب و باچاپی مناسب ارائه دهد. من هم به همین دلیل تحقیقاتی پیرامون «چاپ» انجام دادم تا هم به اطلاعات خود در این زمینه بیفزایم و هم منبعی برای کسانی که قصد آغاز تحقیق در این کار را دارند فراهم کرده باشم. به هر حال این تحقیق را در یک حد معقول و نه مطلوب تهیه کردم که ان شاء الله در آینده آن را تکمیل کرده و در اختیار علاقه مندان قرار می دهم.

● آقای قلی زاده، گرافیک برخلاف

نقاشی براساس سفارش ساخته

می شود. در این صورت، به نظر شما

یک طراح گرافیک چگونه می تواند

تعهد اجتماعی و اخلاقی خود را هم

در اثرش دخالت دهد؟ شما عموماً با

سفارش دهنده ها چگونه برخورد

می کنید؟

■ همان طور که اشاره کردید، یکی از مشکلات

گرافیکتستها اعمال سلیقه و نظر سفارش دهنده

است. در کاری که سفارش دهنده ها خود را

مسئول و ناظر کار هنری می دانند، همیشه

اختلاف میان طراح و سفارش دهنده موجب



نقصان کیفی و ضعف کار می‌شود. من در برخورد با سفارش‌دهنده‌ها سعی می‌کنم تا حد امکان آنها را از امکانات و شیوه‌های کار و نمونه‌هایی از کار خوب و بد آشنا کنم. متأسفانه برخی از سفارش‌دهنده‌ها نظر خاصی در مورد کارهایشان دارند که اجازه کار زیبا و خلاقیت را از طراح می‌گیرد. به نظر من گرافیکست باید سعی کند تا سطح سلیقه سفارش‌دهنده را بالا ببرد که البته این کار مستلزم صبر و حوصله بسیار از سوی گرافیکست است. من اغلب سعی می‌کنم برای هر سفارش دو کار، یکی بنا به نظر سفارش‌دهنده و دیگری را مورد نظر خودم بسازم و اختلاف این دو کار را برای سفارش‌دهنده توضیح دهم. البته همیشه این کار امکان‌پذیر نیست و طراح گاهی مجبور است سلیقه سفارش‌دهنده را نیز در کارش دخالت دهد و متأسفانه یکی از نقاط ضعف کار گرافیک هم همین مسئله است.

● شما به عنوان یک گرافیکست

موقعیت این رشته را در ایران و

جایگاه گرافیک ایران را در جهان

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ به اعتقاد من ذوق و سلیقه ایرانی همراه با تعهد اجتماعی نقطه قوت گرافیک در ایران محسوب می‌شود. این دو مورد اگر همراه با امکانات و وسایل در اختیار هنرمندان ایرانی قرار گیرد چه بسا که برجسته‌ترین آثار را در هنر گرافیک جهان ارائه دهند. نمونه‌های بارزی از پیشرفت این هنر را در ایران می‌توان با مقایسه آثاری که در نمایشگاه‌های هنر گرافیک در ایران و جهان برپا می‌شود مشاهده کرد.

ما ذوق و سلیقه و استعداد را در گرافیک ایران داریم اما متأسفانه از نظر امکانات و وسایل کار در مضیقه هستیم. این امر در تنزل کیفیت کار سهم بسزایی دارد. این کمبود قبل از هرچیز در صنعت چاپ مشهود است. امروزه جهان در مورد چاپ کامپیوتری بلندی برداشته و چاپ به صورت کامپیوتری ارائه می‌شود ولی ما در ایران این قبیل امکانات را نداریم. کمبود امکانات در انیمیشن که یکی از شاخه‌های گرافیک است نمود بارزتری دارد. این شاخه از هنر گرافیک امکانات زیادی می‌طلبد و با اینکه در تلویزیون هم سهمی دارد اما به علت هزینه زیاد آن، مراکز دست‌اندرکار ترجیح می‌دهند به جای تقویت این رشته در داخل، فیلم‌های انیمیشن مورد نیاز خود را از خارج وارد کنند و دست آخر مشکل عمده همان است که قبلاً به تفصیل توضیح دادم.

● با نگاهی به پوستره‌های

اخیرتان درمی‌یابیم که شما در

زمینه‌های اجتماعی-سیاسی در

ابعاد جهانی به موضوع نگاه

می‌کنید. چگونه به خلق چنین

مضامینی دست یافتید؟

■ به اعتقاد من طراح و گرافیکستی که کار فرهنگی می‌کند نباید فقط به محدوده کشور خود بیندیشد؛ مخاطب او باید همه مردم دنیا باشند.



به همین دلیل هم من به سراغ موضوعهایی رفتم که امروزه دنیا و بنوعی بشریت با آن درگیر است. اگر چه ما منادی سیاسی و فرهنگی برای مردم جهان نیستیم اما می‌توانیم دردهای اجتماعی را در جهان منعکس کنیم. گرسنگی، اعتیاد، بیماری، سلاح‌های اتمی و شیمیایی، آلودگی محیط زیست و... همه موضوعهایی هستند که نه تنها کشوری خاص بلکه همه جهان را دربرمی‌گیرند. من سعی دارم در پوسته‌هایم با زبان بین‌المللی این مسائل را مطرح کنم. تکنیک کار و نحوه اجرا را هم به تناسب نوع کار انتخاب می‌کنم؛ گاهی از نقاشی، عکس یا کلاژ استفاده می‌کنم. ولی مهمترین مسئله در نظرم دست یافتن به یک زبان همه فهم و همه‌گیر در سطح بین‌المللی است.

● در مورد تکنیک صحبت کردید.

شما تکنیک اجرای کارهایتان را چگونه انتخاب می‌کنید؟

■ همان‌طور که گفتم تکنیک کار را براساس مصالح و مواد و موضوع و همچنین جواب دادن این ابزار به آن موضوع خاص انتخاب می‌کنم. ناکفته نماند تکنیک اجرای پوستر به‌نوعی توفیق اجباری هم هست. زیرا وقتی در بازار وسایل و مصالح مورد نیازمان موجود نباشد و قصد اجرای موضوع خاصی را هم داشته باشیم، نمی‌توانیم کار را تعطیل کنیم؛ پس باید با جنگ و دندان با هرامکانی که در اختیار داریم کار را به سرانجام برسانیم. در همین جا قصد دارم از فرصت استفاده کنم و از مسئولینی که به‌نوعی در امر هنر مسئولیتهایی را برعهده دارند درخواست کنم که امکانات و وسایل مورد نیاز این رشته را در اختیار گرافیست‌ها قرار دهند و مطمئن باشند که در تعالی و رشد این هنر گام مؤثری برداشته خواهد شد. فکر نمی‌کنم خواستن این وسایل توقع زیادی باشد. کتب و وسایل آموزشی هم وضع خوبی ندارند. تهیه کتاب خارجی با مشکلات زیادی همراه است و باید برای آن هم فکری شود.

● آقای قلی‌زاده، شما به عنوان

یک مدرس و هنرمند گرافیست، نقاط قوت و ضعف آموزش گرافیک را در

چه عواملی می‌بینید؟

■ نارسایی در رشته گرافیک دانشگاه را می‌توان در دو بُعد آموزشی و وسایل کمک آموزشی بررسی کرد. دانشگاه‌های ما از کمبود استاد در رنجند. استادان مجرب هم در این رشته انگشت‌شمارند و تکیه به استادانی معدود در درازمدت می‌تواند اثر نامطلوبی بر روی هنر گرافیک بگذارد زیرا اعمال سلیقه‌ای خاص بین دانشجویان می‌تواند به این هنر خط‌خاصی بدهد و این موضوعی خطرناک برای گرافیک ایران محسوب می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که متخصص بودن استادان، تنوع استادان و تنوع سلیقه‌ها در رشد هنر گرافیک تاثیر بسزایی دارد. در مورد کمبود وسایل و امکانات هم اشاره کردم؛ وسایل کمک آموزشی و فنی در این رشته نیز از نظر تنوع رو به کاهش و از نظر قیمت رو به



■ من به همه کارهایی که بدون سفارش مشخص انجام داده‌ام علاقه‌مندم، اما در این میان به سه کار خود یعنی «لبیک»، «موضوع انشاء» و پوستری که به مسابقه بین‌المللی مسکو ارسال شد (یعنی «جنگ سوم») دلچسپی خاصی دارم زیرا قادر به برقراری ارتباط با هربیننده‌ای است و با هرزبانی حرف می‌زند.

● به شرکت یکی از آثارتان در

مسابقه بین‌المللی شوروی اشاره کردید. لطفاً کمی در این باره صحبت کنید و ضمناً بفرمایید که آیا علاوه‌براین در نمایشگاه‌های بین‌المللی دیگری هم شرکت داشته‌اید؟ در ضمن درباره چگونگی شرکت در این نمایشگاه‌ها نظرتان را بفرمایید.

■ هرساله نمایشگاه‌های متعددی در ایران و سایر کشورهای جهان برگزار می‌شود و متأسفانه ما از نمایشگاه‌های خارج از کشور بی‌خبریم. از جمله مشکلات ما برای شرکت در این نمایشگاه‌ها و مسابقات بین‌المللی، عدم اطلاع گرافیست‌ها و مشکل ارسال آثار و برقراری ارتباط با این نمایشگاه‌هاست. در سال ۱۳۶۵ از برگزاری نمایشگاهی از آثار گرافیکی تحت عنوان «صلح، ضامن ترقی اجتماعی» در مسکو - درست یک روز قبل از آخرین مهلت ارسال آثار - مطلع شدم که به اتفاق سه نفر از هنرمندان گرافیست و نقاش در آن شرکت کردم. نمایشگاه نتیجه خوبی هم داشت و

افزایش است و وسایل گران هم نمی‌تواند مورد استفاده دانشجویان قرار بگیرد. گرافیک هم رشته‌ای است که بدون وسیله و امکانات لازم، نمی‌شود آن را فرا گرفت و کار کرد. در نتیجه دانشگاه‌های هنری ما به جای آموزش فنی و تکنیکی، به محلی برای آموختن درس نظری و تئوری هنر تبدیل شده‌اند. این امر می‌تواند لطمه بزرگی به این هنر بزند.

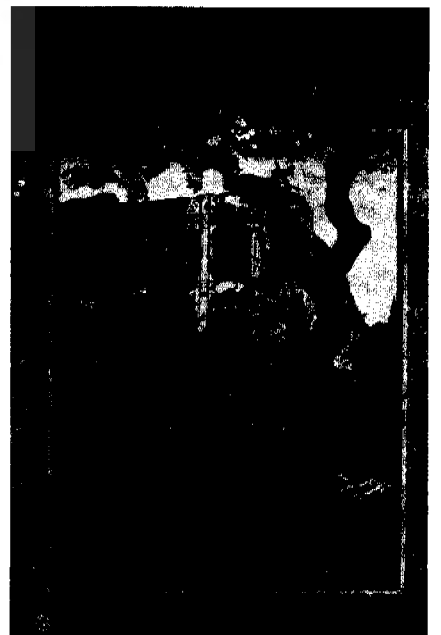
● به نظر شما موفقترین آثار

گرافیکی در دوران بعد از انقلاب اسلامی چه خصوصیتی داشته‌اند و توسط چه کسانی خلق شده‌اند؟

■ فکر می‌کنم در این مورد بیشترین بار بردوش هنرمندان حوزه هنری بوده است زیرا آنها از تخصص دانشگاهی خود و همراهی معنوی با انقلاب استفاده کرده و تخصص را در خدمت فرهنگ و آرمان‌هایشان گرفتند و موفق شدند آثاری با پیام و مفهوم مشخص و در عین حال زیبا و گیرا ارائه دهند. در حال حاضر پوستره‌های خاصی را که دیگر مراکز کار کرده‌اند به یاد ندارم لیکن بدون تردید هنرمندان متعهد دیگری در جامعه و در سایر نهادها وجود دارند که باید از آنها هم قدردانی شود.

● اجازه بدهید از شما یک سؤال تقریباً خصوصی داشته باشم. در میان کارهای خود کدامیک را بیشتر می‌پسندید؟ لطفاً دلیل انتخاب خود را هم ذکر بفرمایید؟

حاصل آن کسب جوایز ارزنده‌ای از جمله دیپلم افتخار برای تمامی شرکت‌کنندگان ایرانی بود و علاوه بر آن جایزه ویژه‌ای از سوی «اتحادیه کار شوروی» به پوستر من اختصاص یافت. شرکت در نمایشگاه‌های خارج از کشور و مسابقات بین‌المللی بسیار خوب است و علاوه بر آشنایی طراحان ایرانی با کار طراحان کشورهای دیگر، آشنایی متقابلی را نیز در پی خواهد داشت. مهم‌تر از همه، این کار باعث جوشش و تحرک در این رشته می‌شود. اما متأسفانه برنامه‌ریزی خاصی در این جهت وجود ندارد و همان‌طور که عرض کردم ما راحت نمی‌توانیم با مراکز و مجامع هنری تماس



داشته باشیم و آثار خود را عرضه کنیم. در هر حال مشکلات این امر، کم نیست. هرچند هیچگاه کسب جوایز، چه در داخل و چه در خارج، ملاک واقعی برای قضاوت نیست ولی ارتباط و آشنایی، همیشه نتیجه خوبی داشته است.

● آقای قلی‌زاده، لطفاً بفرمایید که از دیدگاه شما یک گرافیست باید دارای چه خصوصیتی باشد.

■ نظم و انضباط باید مهمترین خصیصه یک گرافیست باشد. البته فکر خوب، سوزمایی سریع و اجرای کار صحیح و زیبا از دیگر ویژگیهای یک گرافیست خوب است. یک گرافیست از سویی باید با هنر مدرن و پیشرو در ارتباط باشد و از سوی دیگر از هنر سنتی نیز غافل نماند. منظورم از هنر سنتی، آگاهی بر سنتها و روشهای گذشتگان است. گرافیست درست مثل یک شاعر و نویسنده موفق باید فرهنگ‌شناس خوبی باشد و از مسائل و سلیقه‌های هنری- فرهنگی جامعه خودآگاه باشد.

● در خاتمه چه پیشنهادی برای حل مشکلاتی که یک گرافیست با آنها روبروست دارید؟

■ یکی از مشکلات گرافیستهای ما عدم تشکّل و انسجام کافی است. اگر هنرمندان گرافیست تحت عنوان هرنامی، نظیر کانون، سندیکا، اتحادیه و... به یک جمع هنری تبدیل شوند می‌توانند برای حل مسائل خود پیگیر بوده و در جهت اعتلای این هنر گامهایی بردارند. متأسفانه در ایران این قبیل مجامع هنری وجود ندارند، یا اگر هم باشند در اختیار افراد خاصی هستند که در جهت منافع شخصی خود و یا گروهی خاص از آن بهره‌برداری می‌کنند و منافع حرفه‌ای و جمعی را مدنظر قرار نمی‌دهند. سندیکاها در تمام جهان موظف به تهیه اخبار و گزارش از تمام مراکز هنری دنیا، تهیه مجله‌ها و بروشورهای کم‌کننده به این رشته و نرخ‌گذاری و ارزش‌گذاری بر روی آثار مربوط به آن و مسائلی از این دست هستند. ضعف ارتباط و پایین بودن امکانات و ابزار از دیگر مشکلات ماست که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متصدی امور نمایشگاهها و مراکز هنری باید در برگزاری نمایشگاههای داخلی و خارجی، دعوت از هنرمندان ایرانی به خارج از کشور فعالتر برخورد کند و اخبار نمایشگاههای جهانی را در اختیار گرافیستها قرار دهد.

● از اینکه وقتتان را برای این گفتگو در اختیار ما قرار دادید، متشکرم.

# يك آغازگر

مصطفی مهاجر  
نگاهی به زندگی و آثار «ادوار مانه»، نقاش فرانسوی

«نقاش باید صحنه‌های زندگی معاصر را چنانکه هست ترسیم کند و در این راه نباید قیود مرسوم و تقلید استادان قدیم را سد راه خود سازد.»

(ادوار مانه)  
در اروپای قرن نوزدهم میلادی، سنتها بتدریج کنار گذاشته می‌شد و پدیده‌های نوینی در شرف تکوین بود. مهمترین ویژگیها و تحولات این سده در موارد زیر خلاصه می‌شد: تکامل سریع ابزار و پیشرفت صنعت، وقوع انقلابهای سیاسی، رواج نوعی ایمان مذهبی نسبت به علوم تجربی، ظهور اختراعات و اکتشافات جدید در زمینه علوم، اختراع دوربین عکاسی، پیشرفت چاپ صنعتی، ایجاد مدارس و کارگاههای هنری و افزایش تولید آثار فرهنگی- هنری، توجه ادبیات و هنر به مردم و مسائل اجتماعی و طبیعت (واقع‌گرایی و عینیت‌پردازی) و... در کنار این تحولات، نقاشان نیز کارگاههای تاریک خود را ترک می‌کردند و به فضای باز زندگی اجتماعی و حیات طبیعی رو می‌آوردند و نگاه آنان به نور، رنگ، سایه-روشن، فرم و سایر عناصر نقاشی تغییر می‌یافت. «مانه» از آغاز کنندگان شیوه جدیدی در نقاشی غرب بود که در این قرن شکل گرفت.

«ادوار مانه» در ۲۳ ژانویه ۱۸۳۲ به دنیا آمد. در سن هجده سالگی در کارگاه «توماس کتور» (۱۸۷۹-۱۸۱۵) مشغول به کار شد و با وجود اینکه با شیوه «کتور» (پایبندی به سنن گذشته) مخالف بود، شش سال در کارگاه او ماند و کار کرد.

در سال ۱۸۶۱، مانه دو تابلو به «سالن» عرضه کرد که هردو پذیرفته شدند. اما دو سال بعد، مسئله شکل دیگری به خود گرفت. در این سال (۱۸۶۳)، در میان چند هزار تابلوی نقاشی که جهت قضاوت به گردانندگان «سالن» عرضه شده بود، سه تابلو از مانه (از جمله تابلوی مشهور «ناهار در سیزه‌زار») نیز وجود داشت که به همراه آثار «مونه»، «پیسساور»، «ویسلر»، «سزان» و «فانتین لاتور»، به دلیل «نامربوط بودن، مردود شناخته